



جاذبه‌های گردشگری عجیب از شمال، غرب، جنوب و البته پایتخت ایران



طاق رنگین کمانی

باغ سنگی کرمان تنها جذابیت سخت و صخره‌ای ایران نیست. ایران دورشته کوه بزرگ دارد که در پیچ و تاب دیواره‌ها و سنگ‌های آن عجایب ناشناخته و کمترشناخته در سکوتی سنگین نظاره‌گر گذر سال‌ها و قرن‌ها بوده‌اند. در این میان، حفره‌های عمیقی در دل این کوه‌ها هست که هنوز هیچ بشری نتوانسته سر از انتهای آنها در بیاورد. این حفره‌ها یا همان غارها به وفور در جای‌جای مختلف ایران جا خوش کرده‌اند که غار «علی صدر» شاید شناخته‌شده‌ترین آنها باشد. طولانی‌ترین غار آبی جهان با ۱۹۰ میلیون سال قدمت که انتهای آن همچنان دور از دسترس انسان مانده است. مسافت به همدان برای تماشای این غار، سال‌هاست یکی از برنامه‌های بهاری و تابستانی مردم ایران است. اما، این بار به غاری متفاوت فکر کنیم. در جنوب شرقی جزیره رنگ‌ها، هرمز، غاری وجود دارد که اثر عبور آب به سمت دریا و از زیر کوه‌های نمکی به وجود آمده است. با کمی کوهنوردی و صخره‌نوردی و البته همراهی محلی‌ها به دهانه غاری می‌رسیم که به محض ورود با دنیایی از رنگ‌های عمودی و افقی بر دیواره‌هایش روبه‌رو می‌شوید که این رنگ‌ها از فرسایش مواد معدنی بر دیواره غار به وجود آمده است. بعد از پیمایش این مسیر رنگی به عمق ۳۰ تا ۴۰ متر به قسمت جایزه سفرتان می‌رسید؛ خروجی زیبا با طاقی قوسی که رنگ‌ها به اوج خود می‌رسند و به استقبال شما برای ورود به هوای آزاد و نور آمده‌اند. فقط حواستان به چند نکته باشد. غار رنگین کمانی، غاری نمکی است پس حتماً باید با تجهیزات مناسب وارد آن شوید. به آرامی درونش راه بروید و به دیواره‌ها تکیه ندهید تا بافت چند میلیون ساله آن به طرفه‌العینی از بین نرود. از طرفی در این غار نباید با صدای بلند حرف بزنید چون موج صدای بلند باعث آسیب به غار می‌شود.



آدمک‌های سنگی

از کرمان و فارس و لرستان و آذربایجان گفتیم. اما حیفا است از نقطه‌ای واقعاً ناشناخته و مجهول دیگری اسم ببریم. همه این سایت‌های گردشگری که گفتیم در سال‌های اخیر و رواج گردشگری داخلی کمابیش شناخته شده هستند اما معمولاً تهران، این شهر بزرگ که بیشتر به ترافیک و شلوغی و معماری بی‌هویت و مدرنش شناخته می‌شود، کمتر در فهرست دیدنی‌های ایران ذکر می‌شود. گاهی در این نادیده گرفتن به حدی اغراق شده که بسیاری از ساکنین تهران هم نمی‌دانند چه دیدنی‌های جذابی در دسترس‌شان هست و حتماً نباید کیلومترها سفر کنند تا جذابیت‌های طبیعی ایران را ببینند. در شمال غرب تهران، روستایی به نام «وردیج» هست که از توابع کن و سولقان محسوب می‌شود. هوای تمیز کوهستانی و باغ‌های میوه متنوع و رودخانه خروشان در دل این روستا به خودی خود جذاب است. اما قسمت هیجان‌انگیز این روستا تنگه ارواح سنگی یا مجسمه‌های سنگی آن است. از بزرگراه خرازی غرب که به سمت خروجی روستای وردیج و واریش بروید، بعد از حدود بیست دقیقه رانندگی به جایی می‌رسید که کوه‌ها شکل عجیب و غریبی دارند. این کوه‌ها هم حاصل عشق‌بازی باد و باران و سنگ هستند اما می‌توان ادعا کرد که شکل‌های منحصر به فرد تکی دارند که در کمتر جایی دیده می‌شود. از دور گویی چندین سرباز سنگی کنار هم و بازو در بازو تنیده و استوار ایستاده‌اند تا از چیزی محافظت کنند. نزدیک که می‌شوید، سنگ‌هایی صاف‌شده با خلل و فرج بسیار می‌بینید. در قسمتی از این تنگه پله‌هایی هم تعبیه شده تا گردشگران بتوانند بالا بروند و ادامه سربازها را تماشا کنند. این صعود بسیار آسان است و حتی بچه‌ها می‌توانند به راحتی به دیدن مجسمه‌های سنگی بروید. طوری برای رفتن برنامه‌ریزی کنید که تماشای غروب آفتاب را از آن بالا از دست ندهید.

## باغ سنگی درویش خان

خشک شد و کاری هم از دست درویش خان بر نمی‌آمد. وی روزی همه درخت‌های خشک‌شده را به زمین بیابانی نزدیک باغش برد و در گودال‌هایی به عمق یک متر که قبلاً حفر کرده بود، کاشت. بعد به شاخه این درخت‌ها سنگ آویزان کرده و از سنگ‌ها مثل میوه‌های واقعی مراقبت کرد. برای این هدف، لاستیک‌ها را آتش می‌زد تا سیم‌های درون آنها را بیرون بیاورد و سنگ‌هایش را بیاویزد. خود این سنگ‌ها هم از عجایب این باغ هستند چون حفره‌ها و سوراخ‌هایی دارند که از آنها به درخت آویزان شده‌اند. کسی نمی‌داند این سوراخ‌ها به طور طبیعی روی همه این سنگ‌ها بوده یا درویش خان خود، سنگ‌ها را شکافته. مخصوصاً که از اهالی و شاهدان آن سال‌ها کسی او را در حال سنگ‌تراشی ندیده بود. از طرفی بعضی از آنها به حدی سنگین است که یکبار وقتی یکی از آنها افتاده بود چند مرد با هم به زحمت دوباره آویزان کردند ولی خود درویش خان آنها را از کیلومترها دورتر آورده بود و به تنهایی آویزان کرده بود. ناشنوایی این پیرمرد باعث شد راز این باغ بی‌برگ برای همیشه سر به مهر بماند. این اثر هنری اعتراضی در حال حاضر در ۴۰ کیلومتری سیرجان یکی از جاذبه‌های توریستی استان کرمان است.

ما با شنیدن کلمه «باغ»، محدودهای پر از درختان سرسبز میوه برابمان تداعی می‌شود. اگر فصل بهار و تابستان باشد هم این درخت‌ها را با میوه‌های رسیده و آیدار و رنگی تصور می‌کنیم. اما در گوشه‌ای از سرزمین عجایب ایران، باغی هست که رنگ غالبش خاکی است و میوه‌اش سنگ. ظاهر این باغ به قدری عجیب و نامأنوس است که شاید در نگاه اول فکر کنید به ساخته دست بیگانگان فضایی نگاه می‌کنید. اما در واقع، ساخته دست بشر است. مثل هر باغ دیگری! فقط صاحب دل‌شکسته آن، درویش خان تصمیم گرفت در اعتراض به ظلمی که به او شده بوده، باغش را تبدیل به موزه‌ای سنگی کند و باغی ساخت متفاوت با همه باغ‌های دنیا. وقتی در دهه ۴۰ شمسی اصلاحات ارضی انجام شد، زمین‌داران زیادی از جمله درویش خان مالکیت زمین‌های خود را از دست دادند. او که جوانی ناشنوا هم بود نتوانست شکایت‌هایش را به جایی برساند. به مرور باغ‌هایی که برایش عمری زحمت کشیده بود



دره‌هایی رو به خدا

اصلاً ترکیب کوه و سنگ و آب، پیوند ازلی-ابدی است که مثل عقد دخترعمو و پسرعمو در آسمان بسته شده است. البته احتمالاً مراسم عقد در همان خروجی زیبای غار رنگین کمانی بسته شده است. اما شروع رابطه‌شان از بلندی کوه‌ها بوده که هم میزبان آب‌های آسمان هستند و هم خانه آب‌های زمین و آب بازیگوش که گاه جویبار و گاه سیلاب می‌شود و طی هزاره‌ها در میان پستی و بلندی این کوه‌ها حرکت کرده و آن را پیراسته است. بعضاً عمق این پیراستن به حدی بوده که دره‌ها پدید آمده‌اند و قلمرو خصوصی برای کوه و آب فراهم می‌آورند. یکی از شناخته‌شده‌ترین این قلمروها «گران کانیون/ Grand Canyon» در امریکاست. اما، از آنجا که در ایران پهناور خودمان حتماً و همیشه نمونه‌ای از عجایب و جذابیت‌های جهان هست، باید بگوییم کانیون در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم و ما خودمان کانیون‌مدگان داریم. در این راستا و حالا که فصل بهار است اگر می‌خواهید تنگه و دره‌ای متفاوت ببینید، به شیراز لرستان در ۵۵ کیلومتری کوه‌دشت بروید. میلیاردها سال رقص باد و آب در این تنگه فرسایش‌هایی عمودی و پله‌پله روی بدنه کوه‌ها ایجاد کرده که ابهت و دهشت توأمی دارد. ارتفاع این دیواره‌های سنگی ساییده‌شده از ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر است و تنگه هم بیش از ۵ کیلومتر طول دارد. غیر از رودخانه خروشان و روان زیر پا و دیواره‌های عظیم اطراف‌تان، غاری ۱۵۰ کیلومتری هم در این تنگه هست که به آن غار «پل خدا» می‌گویند. در این غار آبی، همیشه آب سرد جریان دارد ولی به خاطر ارتفاع آن که تا زانوئی یک فرد بالغ است، امکان غارپیمایی هست. جذاب‌ترین بخش غار باستانی پل خدا آثار بجا مانده از انسان‌های غارنشین است. طبیعی است که با این شرایط بهترین زمان سفر به این دره بهار و تابستان است.

تنگه زیبا و معروف دیگر، تنگه «هایقر» در ۳۵ کیلومتری جنوب فیروزآباد استان فارس است که علاوه بر همه مناظر طبیعی نفسگیر حاصل هم‌نشینی‌های آب و باد و سنگ، شاهد اتفاقاتی تلخ هم بوده. اتفاقاتی که منجر به این نام‌گذاری شده؛ هایقر یعنی کشنده. طبق گفته قدیمی‌های محلی، جنگی بین عشایر قشقایی و نیروهای انگلیسی درمی‌گیرد و عشایر بعد از پیروزی در برابر اجنبی آنها را به پایین دره پرت می‌کنند. بهترین زمان سفر به این منطقه اواخر زمستان و فصل بهار است. در تابستان کمی گرم است و احتمال روبرویی با حشرات و جانوران خطرناک هم بالا می‌رود و خدای نکرده به انگلیسی‌های مرحوم می‌پیوندد. پاییز و زمستان هم که سرد است.



سنگ‌هایی برای انسان‌ها

ویژگی محافظتی کوه‌ها از ساکنین محلی‌شان همیشه نقطه برتری آنان در برابر بیگانگان بوده است. اما هرچقدر سخت و نفوذناپذیر باشند باز هم برابر انسان‌ها چاره‌ای جز تسلیم و رضا ندارند. این طور نبوده که چون کوه هستند، انسان‌ها بگویند افسوس که باید برویم و جای دیگری را پیدا کنیم. اصلاً کوه اگر شدیدترین شیب‌ها را هم داشته باشد، مردان و زنانی از پارس بوده‌اند که بر آن خانه‌هایی زیبا ساخته‌اند. این خانه‌سازی البته با ویلاسازی‌های خودخوانه امروزی و کوه‌خواری‌های چشم‌آزار فرق داشته است. اجداد طبیعت‌دوست ما از طبیعت در حد نیاز استفاده می‌کردند، نه برای لذت و از طرفی طی یک قرارداد دوجانبه مسالمت‌آمیز و نانوشته، منطبق با روحیات همان طبیعت در آن ساکن می‌شدند. برای همین «ماسوله» خطه شمال و «دره پلنگان» منطقه غرب ایران، دورستای قدیمی هزاران ساله هستند که با مصالح طبیعی بومی و معماری منحصر به فرد شیب‌دار ساخته شده‌اند. نیاز به توضیح بیشتر نیست که این خانه‌ها در ردیف‌های پله‌پله‌ای ساخته شده‌اند و سقف خانه پایین محل گذر عمومی در بالا و حیاط خانه بالایی است. این خانه‌های ساخته شده روی کوه و دره‌ها یک مزیت دیگر هم داشتند. در روزگاری که تأمین امنیت وظیفه افراد هر منطقه بود و باید برای حفظ آن به خود متکی می‌بودند، زندگی در دل کوه مساوی بود با دشمنان و مهاجمان کمتر. گاه حتی خود کوه عامل استتار می‌شد. بشر خسته از تهاجم و فرار و ترس، روزی به این نتیجه رسید که طوری خانه بسازد که دیگری نبیند و خودش درونش آرامش داشته باشد. این شد که با همان ابزار باستانی و زور بازوی خود کوه را شکافت و درونش را تراشید تا خانه‌هایی تمام سنگی آماده کند و به کمک آن، هم از گزند سرما و گرما و جانوران در امان باشد و هم از لطمه‌راهزنان و تهاجم مغول‌ها. خانه‌های سنگی-غاری «کنداون» در نزدیکی تبریز و روستای «میمند» در کرمان دو نمونه همچنان زنده این خانه‌سازی‌ها هستند. از آنجا که خانه‌های مذکور در محیط‌های کوهستانی ساخته شده‌اند، بهترین زمان سفر به آنها بهار و تابستان است.



حالا که فصل بهار است اگر می‌خواهید تنگه و دره‌ای متفاوت ببینید، به شیراز لرستان در ۵۵ کیلومتری کوه‌دشت بروید. میلیاردها سال رقص باد و آب در این تنگه فرسایش‌هایی عمودی و پله‌پله روی بدنه کوه‌ها ایجاد کرده که ابهت و دهشت توأمی دارد